
**A Comparative Study of Interpretive Methods of Ayatollah
Khamenei and Contemporary Commentators of both Schools in
Inferring Quranic Governance Rules and Precepts from Surah al-
Mujadilah**

Ehsan Arefi *

Institute and Specialized Center of Tafsir Thambid Qom

Abstract

Ayatollah Khamenei's Quranic interpretation methodology reveals various social and political issues and precepts that align with the concept of governance. Governance, distinct from the act of governing, emphasizes the role of values and public groups in managing societal affairs. Governance precepts, as far as can be deduced from the apparent meaning of the verses, have been more or less agreed upon by contemporary social and political commentators. However, in cases where they have delved into the verses or applied them to the conditions of societies, they have been unique in their interpretation. In this study, after analyzing their interpretive methods, several governance rules and precepts were obtained, some of which include: the presence of God and Islamic leadership in all fateful societal matters, the prohibition of mixing ignorant era's tradition with the Islamic tradition, intelligent confrontation with past traditions, suppression of selfishness for social order, preference for faith-based bonds over family ties, the flow of hypocrisy, the flow of social vacillation and in an attempt to prove oneself through swearing, overcoming, the consequence of the presence of God and the Messenger in society. The research method, based on the objective, is fundamental and, in terms of presenting governance provisions, applied; based on the nature of the comparative study, it is descriptive-analytical and based on the data collection method, it is library-based.

Keywords: Governance, Governance Rules and Precepts, Surah al-Mujadilah, Ayatollah Khamenei, Interpretation Methodology, religious schools.

* Email: ehsanir1364@gmail.com

بررسی تطبیقی روش تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی قرآنی از سوره مجادله

|| احسان عارفی * ||

چکیده

در تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای انواعی از قضایا و احکام اجتماعی - سیاسی قرآن مشاهده می‌شود که با ادبیات حکمرانی تطابق دارد. حکمرانی، متفاوت از مفهوم حکومت‌داری، بر نقش ارزش‌ها و گروه‌های عمومی در اداره امور جامعه تأکید دارد. احکام حکمرانی تا آنجا که از ظاهر آیات برداشت می‌شود، کم‌وبیش مورد توافق مفسران اجتماعی - سیاسی معاصر بوده است؛ ولی در مواردی که ایشان به تدبر در آیات ورود نموده یا آنجا که تطبیق بر شرایط جوامع کرده و قضایای کلی را اصطیاد نموده‌اند، در استنباط به نحوی منحصر به فرد بوده‌اند. در پژوهش حاضر، بعد از تحلیل روش تفسیری ایشان، چندین قاعده و حکم حکمرانی به دست آمد که برخی از آن‌ها عبارتند از: حضور خدا و رهبری اسلامی در همه مسائل سرنوشت‌ساز جامعه، ممنوعیت درهم آمیختن سنت جاهلی با سنت اسلامی، مواجهه هوشمندانه با سنت‌های گذشته، سرکوب خودخواهی برای نظم اجتماعی، ترجیح پیوندهای ایمانی بر علقه‌های خانوادگی، جریان نفاق، جریان مذذب اجتماعی و در تلاش برای اثبات خود از راه سوگند، غلبه، پیامد حضور خدا و رسول در جامعه. روش پژوهش، بنا بر هدف، بنیادی و به لحاظ ارائه مفاد حکمرانی، کاربردی است؛ بر پایه ماهیت بررسی تطبیقی، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و براساس روش گردآوری، کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، قواعد و احکام حکمرانی، سوره مجادله، آیت‌الله خامنه‌ای، روش تفسیر، بررسی تطبیقی روش تفسیری.

۱. مؤسسه و مرکز تخصصی تفسیر تمهید قم

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

تفسیر قرآن برای کشف مراد جدی خدای متعال از آیات صورت می‌گیرد. پرده‌گشایی از معنای مراد آیات قرآن، نیاز به تخصص مناسب از سویی و دقت نظری و ذهنی نسبت به وقایع بیرونی از سوی دیگر دارد. تولید مبانی، اصول، قواعد و روش‌های تفسیر، متأثر از نیاز علمی، تخصص، منهج مفسر و رویکرد تفسیری، نتیجه توجه به وقایع بیرونی است. یکی از ویژگی‌های تفسیر عصری، اهتمام به بُعد اجتماعی آیات و کشف مراد خدای متعال، ناظر به مسائل آن می‌باشد. شاید بتوان محمد عبده در «المنار» را آغازگر آن دانست. این رویکرد تفسیری، به تدریج رشد کرد و تخصصی گردید و به‌ویژه، رنگ سیاسی بیش‌تری به‌خود گرفت. از این‌رو مفسران به کشف مرادهای الهی در مسائل حکومت و دیدگاه قرآن درباره آن اهتمام ورزیدند.

پس از پیدایش واژه «حکمرانی» که در دهه ۱۹۸۰ رواج یافت، توجه اندیشمندان به نقش‌آفرینان غیررسمی معطوف شد و مفهوم «حکمرانی»، تمام فرایندهای اداره امور از سوی دولت، بازار و شبکه، خانواده، قبیله، سازمان‌های رسمی و غیررسمی، قوانین و هنجارها و حتی زبان را دربر گرفت. فرایند اداره امور در حکمرانی، ویژگی‌هایی دارد که با دیگر مقوله‌های سیاسی مانند حکومت تفاوت دارد و بیش‌تر، نگاهی فراستنی، فرادولتی و فرای سلسله‌مراتب رسمی رایج دارد.

حکمرانی	حکومت
محدودسازی دولت	غلبه تحمیل بر مشارکت
روابط چندجانبه	غلبه روابط یک‌جانبه و از بالا به پایین
دولت، هم‌تراز با سایر بازیگران، در سطحی افقی	ساختارهای سازمانی
فراگیری نگاه سیستمی و نیاز همه بازیگران به یکدیگر	نیاز به دولت متمرکز

سازمان ملل متحد، حکمرانی را این‌گونه تعریف می‌کند:

حکمرانی، مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد می‌باشد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است. با این رویکرد، تحولی در نگاه اجتماعی و سیاسی ایجاد شد که البته پیش‌تر در قرآن و در حکمرانی جامعه اسلامی تحقق یافته بود. البته درباره حکمرانی از منظر قرآن، از تفاوتی که میان حکمرانی قرآن با حکمرانی مصطلح وجود دارد، نباید غفلت شد.

۱. در نگاه قرآنی و اندیشه اسلامی، دین نسبت به سایر عرصه‌ها و عناصر و ابعاد حکمرانی، جامع، فراگیر، دخیل و سایه‌گستر است؛ دین، سیستم اصلی است و مابقی خرده‌سیستم آن هستند. دین تعریف می‌کند که حکمرانی فرهنگی، اقتصادی و دیگر عرصه‌های حکمرانی چیست و چگونه خواهد بود. دین، محور، مقسم، تنظیم‌گر و معیار سنجش برای آن‌ها است و خرده‌سیستم‌ها و موضوعات آن‌ها چون آزادی، سیاست، عدالت، مشارکت، مشروعیت و مانند آن را تعریف کرده، جایگاه آن‌ها را در نظام حکمرانی مشخص می‌کند.

۲. حکمرانی غیرقرآنی، دچار این کاستی جدی است که افزون بر پذیرش نقش ارزش‌های عمومی در اداره جامعه، در قبال تعریف و چگونگی شکل‌دهی به آن‌ها بی‌تفاوت می‌باشد؛ ولی در حکمرانی قرآن، به تولید و ساخت ارزش‌های عمومی و مراقبت و درونی‌سازی آن‌ها در بستر اجتماع، اهتمام خاصی صورت می‌گیرد. از این‌رو باید نگاه توحیدی، امتداد یافته و سایر ارزش‌ها، تجزیه و تحلیل و بازتعریف و بازبررسی شوند؛ برخی تصفیه گردند و ارزش‌های بسیاری، جهت تعالی حکمرانی افزوده شوند. ارزش‌های مذکور در پرتو پذیرش بندگی توحیدی خدا قابل قبول و مشروع می‌گردند.

۳. سمت‌وسوی ارزش‌های توحیدی، حرکت به سمت شایسته‌گزینی و تقویت متقیان و تضعیف منافقان است. مدیریت حکمرانی باید به دست شایسته‌ترین افراد سپرده شود. حکمرانی قرآنی، به تغییر و اصلاح مداخله‌گران در حوزه حکمرانی اهتمام خاصی دارد.

حکمرانی قرآن به معنای قضایای کلی و سیاست‌ورزی قرآن به منظور تدبیر امور مسلمانان است. در باور آیت‌الله خامنه‌ای «امت مؤمن و مسلم، آن امت و ملتی است که معیار را از قرآن می‌گیرد. از هدایت الهی می‌گیرد. این می‌شود معیار» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۴/۱۹). حکمرانی مسلمانان و جامعه اسلامی بر پایه قرآن، شاخصه اصلی امت اسلام است. در حقیقت، تمدن نوین اسلامی بدون تحقق منویات ناب قرآن و اسلام در نظام حاکمیتی و سطح عمومی جامعه محقق نمی‌شود و این مهم، بدون کشف علمی و روشمند قواعد و احکام از منابع ناب اسلامی چون قرآن به منظور تنظیم و ارائه الگو میسر نمی‌گردد. با تحولات نظری و برجسته شدن مسائل حکمرانی، این مهم در نگرش مفسران نیز پُررنگ شده است. در این زمینه، بررسی آثار آیت‌الله خامنه‌ای که به شدت به مسائل اجتماعی و سیاسی حساس هستند، در کنار آثار دیگر مفسران اجتماعی - سیاسی ضرورت می‌یابد. اهمیت این بررسی از آن‌رو است که ایشان از سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، سعی در شکل‌گیری حکومت اسلامی داشته‌اند و پس از پیروزی نیز، مسئولیت‌های حساسی را در نظام

اسلامی تجربه کرده‌اند. ایشان در پسِ واکاوی سوره‌های قرآن به دنبال سنجه‌ها و معیارهایی هستند تا بتوان با آن‌ها، قوانین کلی حاکم بر هستی و اجتماع را کشف کنند.

دقت شود که تعبیر حکمرانی در ادبیات سیاسی کشور، نوپدید است. طبعاً انتظاری نیست که در تفاسیر آیت‌الله خامنه‌ای یا دیگران به‌صراحت به آن اشاره شده باشد. لکن به‌لحاظ هوشمندی مفسر گران‌قدر در برداشت قضایای سیاسی و اجتماعی و توجه ایشان به نقش قرآن در راهبری عناصر قدرت اجتماعی، می‌توان نگاه مفسر به حکمرانی قرآن را استنباط کرد. ایشان تعداد اندکی از سوره‌های قرآن را تفسیر نموده‌اند و در تشریح علت انتخاب این سوره، به تناسب آن با وضع کنونی انقلاب و مسائل مربوط به تشکیل حکومت اسلامی توجه می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۵-۱۴). سوره مجادله از جمله نخستین سوره‌های مدنی است که ایشان در سال ۱۳۶۱ در دوره نخست ریاست جمهوری خود تدریس کرده‌اند. شایان ذکر است برای اینکه دیدگاه رهبری و گرایش حکمرانی در تفسیر آیات، خودش را بهتر و به‌صورت شفاف نشان دهد، چندین تفسیر معاصر که به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه داشته‌اند، بررسی و مقایسه می‌شود. این تفاسیر به ترتیب تطبیق بدین‌قرار هستند: «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر «علامه طباطبایی»، «تفسیر نمونه» اثر «آیت‌الله مکارم شیرازی»، «التحریر و التنویر» اثر «ابن عاشور»، «تفسیر المراغی» اثر «احمد بن مصطفی مراغی»، «فی ظلال القرآن» اثر «سید قطب»، «من هدی القرآن» اثر «آیت‌الله مدرسی»، «من وحی القرآن» اثر «علامه فضل‌الله» و «المنار» اثر «رشید رضا».

۲-۱. پیشینه

پژوهشی که روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی قرآنی از سوره مجادله را بررسی و تحلیل تطبیقی کرده باشد، یافت نشد.

۳-۱. پرسش و روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، این پرسش‌های اصلی و فرعی پی گرفته می‌شود:

پرسش اصلی: روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی قرآنی از سوره مجادله چگونه بررسی تطبیقی می‌شود؟
پرسش‌های فرعی:

- ۱) روش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در کشف مراد الهی چگونه است؟
- ۲) قواعد و احکام حکمرانی سوره مجادله مبتنی بر روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟
- ۳) تمایزات و مشترکات روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی از سوره مجادله چیست؟

۴) نوآوری‌های تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روش و محتوا در استنباط قواعد و احکام حکمرانی از سوره مجادله چیست؟

روش پژوهش حاضر، بنا بر هدف، غلبه نگاه بنیادی دارد؛ هرچند در بخش ارائه مفاد حکمرانی از سوره، کاربردی می‌کند؛ بر پایه ماهیت بررسی تطبیقی، توصیفی - تحلیلی است و براساس روش گردآوری، کتابخانه‌ای و به شیوه فیش‌برداری می‌باشد.

۲. روش‌شناسی تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

ایشان در مسیر کشف مراد الهی از آیات، ابتدا به ترجمه و شرح آیات اقدام می‌کنند و در این مرحله بر لغت‌شناسی دقیق آیات و اسباب نزول، تحلیل‌های لغوی و تعمیق واژه‌شناسی، پیوند میان آیات و تعاقب و پی‌درپی دیدن آیات، بررسی اسباب نزول و تحلیل شرایط محیطی فضای دعوت اسلامی و بستر اجتماعی زمان نزول تکیه دارند. علت توجه به این شرایط می‌تواند به جهت اهمیتی باشد که مفسر محترم به فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون نزول آیات می‌دهند. واکاوی عمیق در واژه‌ها نیز در این چارچوب قابل توضیح است. در مرحله نخست، لغت‌شناسی‌های دقیق و عمیق، تلاش برای نشان دادن پیوند و سازگاری میان آیات، توجه به قرائن تاریخی و اسباب نزول به‌شکل نمایشی مشاهده می‌شود. پس از گذر از مرحله فهم آیات، ایشان تفسیر را امتداد داده و به مرحله تبیین برای آشکارسازی حقیقت مراد الهی وارد می‌شوند. در مرحله تبیین آیات، ایشان ابتدا به تدبر در آیات از راه عاقبت‌اندیشی و عمق‌بخشی به مفاهیم آیات اقدام می‌کنند و قضایایی استنباط می‌نمایند و تدبر را زمینه و مقدمه مرحله بعدی، یعنی فهم تطبیقات آن‌ها و کشف راه‌حل مسائل نظام اسلامی قرار می‌دهند. معظم‌له در ادامه، به جری و تطبیق آیات قرآن اهتمام وافر داشته و با سریان آیات به شرایط اجتماعی و سیاسی، قرآن را به متن زندگی امروز جامعه وارد می‌کنند. وی با جریان دادن آیات از دوره نزول قرآن به عصر و مصر ایران، جهان اسلام، جریان استکبار جهانی، مکاتب مارکسیستی و انقلاب اسلامی ایران، قوانین عام دیگری را که از جنس قواعد حکمرانی هستند، در اختیار مخاطب می‌گذارند.

برای نمونه، ایشان در آیات اول تا چهارم سوره مجادله به این موارد که گزارش می‌شود،

اهتمام می‌ورزند:

«قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱) الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ غَفُورٌ (۲) وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَيْرٍ (۳) فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)»^۱.

۱-۲. ترجمه و تفسیر مختصر؛

۱-۱-۲. توضیحات راه‌گشا و مزجی

ایشان ابتدا در ضمن ترجمه‌ای تفسیری، توضیحاتی راه‌گشا و مختصر بیان می‌کنند. «قد سمع الله قول التي تجادلک فی زوجها: بی شک شنید خدا سخن آن زنی را که با تو مجادله می‌کرد؛ یعنی درباره شوهرش گفتگورد و بدل می‌نمود» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۱).

۲-۱-۲. پیوند زدن میان آیات

اما با اینکه این حرف باطل از زبان مردها در می‌آید و تو - مردی که حالا زنت آمده [برای] شکایت - از این سخن باطل که گفته‌ای، مأیوس نباش؛ زیرا که راه برگشت داری؛ «و ان الله لعفو غفور» بی شک خدا عفو کننده و آمرزنده است. حالا یک اشتباهی هم کردی؛ یک غلطی هم شد، خدای متعال حاضر است که مسأله را برگرداند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۲).

۳-۱-۲. تحلیل لغوی

ایشان ذیل «فتح‌ریر رقبه» معتقدند:

رقبه به معنای گردن و به معنای غلام است؛ چون گردن غلام را در دوره‌های خیلی قدیم، نه در زمان اسلام و در دوران پیامبر اکرم (ص) می‌بستند، واحد (شمارش) بنده و برده، گردن بوده؛ مانند واحد انسان که نفر است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۲).

۴-۱-۲. توجه به سبب نزول

مفسر ارجمند پس از تشریح سه مرحله کفارات ظهار، به ماجرای آن می‌پردازند:

بامزه در مورد این شخص که این کار را کرده بود، اینجاست که به پیغمبر (ص) گفت هیچ کدامش را ندارم. وقتی این آیات نازل شد، پیغمبر (ص) به این زن گفت: برو شوهرت را صدا بزن، بیاید اینجا که قضیه را حلش کنیم. آمد. پیامبر گفت که یک غلام آزاد کن. گفت: یا رسول‌الله! من از کجا دارم غلام آزاد کنم؛ نمی‌توانم. گفت: خب دو ماه روزه بگیر. گفت: چشمم ضعیف است... فرمود: شصت فقیر را اطعام کن. گفت: نمی‌توانم مگر خودت کمک کنی! بعد، پیغمبر (ص) ظاهراً قول دادند که از بیت‌المال کمکش کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴).

۵-۱-۲. رفع برخی تناقض‌نماها

گاه در برداشت صحیح از مراد آیه، چالش تناقض پدید می‌آید. برای مثال، در انتهای آیه چهارم دارد: «ذلک لتؤمنوا بالله ورسوله» درحالی که مخاطبان ایمان دارند. مفسر ارجمند بیان می‌کند:

ایمان دو مرحله دارد: یک مرحله این است که در دفتر حزب‌الله اسم‌نویسی می‌کند، در دفتر ایمان‌آوردگان، که اگر پرسند: آقا شما دین‌تان چیست؟ برای مثال خواهد گفت بنده مسلمانم. این یک‌جور ایمان‌آوردن است؛ یک‌جور ایمان‌آوردن این است که انسان به‌راستی قدم در عرصه ایمان می‌گذارد؛ یعنی به تمام احکام الهی عمل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۴).

۲-۱-۶. شفاف‌سازی حقیقت مراد

ایشان در تفسیر «تلك حدود الله و للكافرين عذاب الیم» برای روشن کردن مراد آیه، بدین بیان توجه می‌دهند:

قاطی کردن بین فرآورده‌های تفکر الحادی و فرآورده‌های اسلامی و این‌ها را با هم مخلوط کردی، دیگر اسلام نمی‌شود. اسلام مرز دارد، از مرزهای خدا باید تعدی نکنید. «و للكافرين» برای کسانی که این مرزها را می‌پوشانند و این خطوط اصلی را پاک می‌کنند، «عذاب الیم» عذابی است دردناک (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۵).

۲-۲. تبیین آیات

در این بخش دو محور اساسی مطرح نظر ایشان است: تدبیر و تطبیق؛ در تدبیر، مطالبی را به منظور تعمیم مطالب بیان می‌کنند و سپس برای تطبیق، مفاد آیات را با شرائط انقلاب اسلامی مقایسه کرده و حکمرانی قرآن را تشریح می‌کنند.

۲-۲-۱. تدبیر

معظم‌له در تبیین آیات مورد بحث از سوره مجادله، به چند نکته اساسی توجه می‌دهند:

۱. پیامبر (ص) سنت جاهلی «ظهار» را که سبب طلاق دائمی بود، دست‌کم نگرفت؛ زیرا سنتی ریشه‌دار بود. یک رهبر عالی با سنت‌هایی که در جان مردم نفوذ دارد، سطحی برخورد نمی‌کند. قرآن کریم استدلال می‌آورد؛ «... ان أمهاتهم إلا اللاتی و لذنهم...»؛ این زنی که تو می‌گویی مثل پشت مادرم هستی، مادر تو نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۰). چون این سنت، جاهلی بود، باید یک مجازات برایش قرار دهند؛ تا دیگر کسی نزدیک این سنت نشود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۰). مفسر ارجمند، مجازات بر ارتکاب این رفتار جاهلی را در تداوم برخورد با سنت‌های جاهلی قلمداد می‌کند.

۲. معانی رهبری، حضور و نظارت در همه حوادث اجتماعی است. از این‌رو، پیامبر (ص) از مسائل خانوادگی هم پایش را کنار نمی‌کشید (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۵).

۳. امتداد تأمل در آیات، ایشان را به این نقطه می‌رساند که به انواع برخورد با سنت‌های پیشین نیز ورود کنند؛ معظم‌له پس از تقسیم امکان برخورد با سنت‌ها به سه دسته حذفی، انفعالی و منطقی، با غلط دانستن دو برخورد نخست، قائل می‌شوند که اسلام حد وسط دارد؛ سنت‌های خوب را نگه

می‌دارد، بدی‌هایش را رد می‌کند؛ آن هم با استدلال و منطق، به صورتی که در دل مردم جا بیفتد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۳).

ملاحظه می‌شود که ایشان با مقایسه میان آنچه قرآن آورد با نظامات جاهلی، زمینه را برای درک حکمت‌های نهفته در ورای آیات تسهیل کردند.

۲-۲-۲. تطبیق

۱. ایشان در بیان ضرورت حضور رهبر در همه امور اجتماعی و قضایای سرنوشت‌ساز می‌گویند: امام در هر جایی که یک مسأله‌ای پیش می‌آید، حضور داشت؛ هیچ‌جا نبود که انسان را دچار سردرگمی کند. برای مثال قضیه سینما رکس آبادان^۲ پیش آمده، حالا همه سردرگم‌اند که آیا قضیه چیست؟ چه موضعی باید گرفت؟ ... ناگهان، زودتر از همه اعلامیه امام می‌آمد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۶).

۲. ایشان اظهار می‌دارند:

شما الان نگاه کنید و این جوامع انقلابی دیروز را ببینید ... در حقیقت پر کاهی هستند [که] میان طیف وسیع قدرت‌های عالم و سنت‌هایشان محبوس‌اند. این حاضر و ناظر نبودن و صورت‌خدایی و به اتکای وحی و هدایت دائمی برای جوامع انقلابی و جوامع جدیدالولاده نداشتن، این عیب‌ها (انحراف از اهداف انقلاب‌ها) را به بار می‌آورد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۹-۲۸).

۳. ایشان در تطبیق تفاوت مسأله طلاق با ظاهر که عمل جاهلی بود، به مسأله ممنوعیت طلاق نزد مسیحیان توجه می‌دهند و آن را غیر معقول می‌شمرند. چنانکه طلاق‌هایی هم که به دست زن و مرد، به راحتی و بدون شرایط اجرا می‌شود را جاهلیت عصر جدید می‌شمرند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۸).

ملاحظه می‌شود که در تفسیر ایشان انواعی از قضایا و احکام اجتماعی - سیاسی مشاهده می‌گردد و این به برکت سیر ایشان در سه شاهراه تفسیر، تدبر و در نهایت، تطبیق است.

۳. تمایزات و مشترکات روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی

از تفسیر معظم‌له ذیل سوره مجادله، حداقل نه حکم مهم به ترتیب ذیل استفاده می‌شود:

۳-۱. ممنوعیت درهم‌آمیختن سنت جاهلی با سنت اسلامی

مطابق آیات نخست، در عرب جاهلی رسم بود که مردان عرب هنگامی که می‌خواستند همسران‌شان را به شکلی بی‌بازگشت طلاق دهند، با تعبیر «ظَهْرُكَ عَلَيَّ كَظْهِرِ أُمِّي» او را طلاق می‌دادند. این سنت جاهلی تا زمان نزول این سوره (یک‌صد و ششمین سوره مدینه)، تداوم داشت. ایشان ذیل آیات، به کیفیت برخورد اسلام با سنت‌های جاهلی توجه می‌دهند و ممنوعیت درهم‌آمیختن سنت اسلامی با سنت جاهلی را استنباط می‌کند. «قاطی کردن بین سنت جاهلی و سنت

اسلامی، این دیگر اسلام نمی‌شود. قاطی کردن بین فرآورده‌های تفکر الحادی و فرآورده‌های اسلامی و این‌ها را با هم مخلوط کردن، دیگر اسلام نمی‌شود. اسلام مرز دارد؛ از مرزهای خدا باید تعدی نکنید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۵).

از بررسی تفاسیر مفسران اجتماعی چنین به دست آمد که هیچ‌یک به استنباط این قضیه مهم حتی نزدیک هم نشده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نگاه تدبیری معظم‌له، موجب استنباط چنین نکته مهمی شده است.

۲-۳. حضور خدا و رهبری اسلامی در همه مسائل سرنوشت‌ساز جامعه

آیت‌الله خامنه‌ای با تدبیر در فقره نخست آیه «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ»، استنباط کرده‌اند که رهبران اسلامی باید در همه مسائل سرنوشت‌ساز جامعه حضور داشته باشند. در تفاسیر، تنها سید قطب به عنایت خاص خدا به امور مسلمانان توجه داده و معتقد است خدایی که مشغول تدبیر امور زمین و آسمان‌هاست، این شأن او را نسبت به امور روزمره بندگان غافل نمی‌کند. باین‌حال، سید قطب نتوانسته است حضور فعال و دائمی خدا و رسولش در امور جامعه اسلامی را صید نماید (قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۰۷/۶-۳۵۰۵). علامه طباطبایی به‌رغم توجه به اینکه تعبیر «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ» متضمن معنای استجاب است، به این نکته ارشاد نکرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۰/۱۹-۱۷۷). آیت‌الله مکارم‌شیرازی به شنوا و بینا بودن خداوند نسبت به محاوره میان دو نفر بسنده کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۱۹/۲۳-۴۰۹). آیت‌الله مدرسی به کلیت مسأله توجه کرده است که خداوند در کوران حوادث، امت اسلامی و فرستاده‌اش را تنها نگذاشته و به مناسبت اتفاقات، آیاتی نازل می‌نمود (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۳۸-۱۳۹/۱۵). علامه فضل‌الله نیز منطبق بر مفاد ظاهری معتقد است با اینکه پیامبر (ص) حکمی برای حل مشکل آن زن نداشت، خداوند گره از کار او گشود و خداوند نسبت به بندگان بینا و نسبت به صدای خواهش آنان شنواست (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۶۱/۲۲-۶۰). چنانکه ملاحظه شد، تمام مفسران غیر از سید قطب، فقط به مفاد ظاهری آیه اشاره کرده‌اند و این آیت‌الله خامنه‌ای است که با رویکرد تدبیر و تطبیق به این راهبرد دست می‌یابد.

۳-۳. مواجهه هوشمندانه با سنت‌های سابق بر تشکیل جامعه اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در امتداد بررسی مواجهه قرآن با مسأله «ظهار»، به کیفیت برخورد اسلام با سنت‌های پیش از دعوت اسلامی پرداخته است و از اینکه می‌توان با آن سنت‌ها، به سه شکل (حذفی، انفعالی و منطقی) برخورد کرد، سخن گفته‌اند (رک. خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۹-۳۳). ایشان باور دارند که اسلام راه سوم را برگزیده است: «اگر خیال کنید که جامعه انقلابی باید بیاید یک داس در دست بگیرد و تمام این سنت‌ها را ریشه‌کن کند، برود جلو و جامعه را از آن سنت‌ها صاف نماید،

اشتباه فکر کرده‌اید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۲۹). «برخی از سنت‌ها، سنت‌های غلطی نیستند، محصول قرن‌ها تجربه بشرند؛ چه مانعی دارد ما آن سنت‌ها را عمل کنیم» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۰). «هر کدام از سنت‌ها اگر قابل اصلاح است، آن محتوا را باید اصلاح کنیم و اگر غیرقابل اصلاح است، آن را از بین می‌بریم» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۱). «(بله) این شکلش که همه سنت‌ها را نگاه داشتن و در مقابل سنت‌های جاهلی حساس نبودن، این هم چیز بدی است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۳۳).

با توجه به شرحی که از عملکرد مفسران نامبرده در دو حکم پیشین گذشت، در این خصوص هیچ مطلبی در تفاسیر مشاهده نشد.

۳-۴. سرکوب شدن، سرنوشت دشمنان پیامبران

ایشان به مناسبت بررسی آیات پنجم تا هفتم سوره، با دقت در آیه پنجم: «إِنَّ الَّذِينَ يَحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُنُوتًا كَمَا كُنْتِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ قَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ»^۳ معتقدند:

آن کسانی که در مقابل پیامبر (ص) قرار می‌گیرند، یعنی ضد حرکت انقلابی پیغمبرند و ضد جریان الهی ایشان می‌باشند و محکوم به سرکوبی هستند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۱). این آیه یک قانون طبیعی را بیان می‌کند؛ یعنی در طبیعت بر طبق مقررات و نوامیس اجتماعی و تاریخی، این‌ها محکوم به سرکوبی‌اند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۵۱).

معظم‌له در تحلیل کلمه «يُحَادُّونَ»، آن را منع و مرزگذاری میان انسان‌ها، خدا و رسول او می‌داند. معین‌کننده وجود مانعان میان انسان‌ها و خدا، مرزبندی با پیغمبران است... در غیر این صورت خیلی‌ها به صورت فرصت طلبانه، یک چیز کلی را برای خودشان مستمسک قرار می‌دهند، ادعا می‌کنند که ما معتقد به این هستیم و در این راه هستیم و مردم را به اشتباه می‌اندازند. باید شاخص معین شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۰). در انقلاب ما شاخص، وجود امام و خط امام است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۰).

نکته حکمرانی قرآنی دیگر، بیان مرز قرار گرفتن شخص در مقام «محاده» و دشمنی است: این دشمنی زمانی است که حجت الهی به وسیله امام به همه گفته شد و همه دانستند، آن وقت البته اگر کسی باز در آن طرف (مخالفت و دشمنی با پیامبر) قرار بگیرد، جزو محادین است و مشمول این آیه (یحادون الله و رسوله) می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۶۱).

بررسی تفاسیر معاصر نشان می‌دهد که ایشان به قضیه مذکور منتقل نشده‌اند. علامه طباطبایی محاده را «تعدی و کفر به حدود الهی» معنا کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۰/۱۹). آیت‌الله مکارم‌شیرازی مخاطب را کسانی می‌داند که از حدود الهی تجاوز کرده و با خدا و پیامبر او به مبارزه

برخاسته‌اند. ایشان واژه محادّه را برگرفته از حدید و به معنای مبارزه مسلحانه می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۲۱/۲۳-۴۲۳). مراغی برخلاف سه مفسر نامبرده، محاده را کسانی می‌داند که در برابر شریعت الهی، قوانین و شریعتی جدید جعل می‌کنند. وی در گامی تدبری قائل است این کریمه هشداری است برای رهبرانی که در برابر شریعت الهی، قوانینی وضع کرده و مردم را به اجرای آن مجبور می‌کنند. البته ایشان در تخصیصی نسبت به این بیان، مدعی است در مسائل سیاسی که به اجماع اهل حل و عقد برسد و برآیند آن، نظم‌دهی به اجتماع بشری باشد، به شرطی که با روح شریعت متعارض نباشد، اوامر امام جامعه مصداق دشمنی محسوب نمی‌شود (مراغی، بی‌تا: ۱۰/۲۸). سید قطب آیه را ناظر به کسانی می‌داند که دنبال حدود و مرزی غیر از حدود شریعت و در برابر او هستند. وی دلیل این تعبیر را آیات قبل می‌داند که از حدود الهی سخن می‌گویند (قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۰۸/۶-۳۵۰۷). آیت‌الله مدرسی، همچون مراغی، مصداق آن را کسانی می‌داند که شریعتی غیر از شریعت الهی را اختیار نماید (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۵۲/۱۵). علامه فضل‌الله نیز مانند آیت‌الله مدرسی و مراغی، مصداق محاده را موضع‌گیری فکری و تقنینی در برابر تقنین و تشریح الهی معنا کرده و نتیجه آن را عمل برخلاف شریعت می‌داند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۶۴/۲۲).

ملاحظه شد که در میان مفسران ارجمند، اندکی، معنای فقره را جنگ مسلحانه دانستند؛ ولی اکثریت، معنای آن را قانون‌گذاری در برابر شریعت الهی و پیروی از دیگر شرایع قلمداد کردند. البته هر دو گروه، معتقدند لجاجت و تخاصم از لوازم این معناست. در میان آثار، مراغی تدبر و دقت خوبی داشته است؛ به رهبران جوامع، نسبت به تشریح قوانین خلاف دین هشدار داده است و آیه را تهدیدی برای آنان دانسته است. با لحاظ این مقدمه، مفسران مذکور، تنها با تبیین منطوق این کریمه، به کلیت تشبیه کسانی که حدود الهی را زیر پا می‌گذارند، اشاره کرده‌اند؛ ولی آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به روش تدبری و گرایش حکمرانی و سریان آموزه‌های قرآن به صحن علنی اجتماع، از این آیه به چنین نکته‌ای دست یافته‌اند. بر این اساس، جامعه‌ای حکمرانی متعالیه خواهد داشت که بر پایه احکام الهی شکل گرفته باشد؛ در غیر این صورت، حکمرانی از جنس مطلوب و پایدار نخواهد بود و دیر یا زود، با انواع آسیب‌ها دست به گریبان خواهد شد. مطلب دوم آنکه برای تشخیص درستی حکمرانی، در انطباق با اراده‌های خدا، باید نزدیک‌ترین اشخاص به خدا، مانند پیامبر، شاخص قرار گیرند؛ تا جامعه در حکمرانی بر پایه اراده‌های الهی، دچار تردید و چنددستگی نشود.

۳-۵. سرکوب خودخواهی به منظور ایجاد نظم اجتماعی

ایشان ذیل آیه یازدهم: «يَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ...»^۴ بیان می‌کنند که هر مسلمانی که بتواند خودخواهی و منفعت‌طلبی را کنار بگذارد و

به فکر منافع و رعایت حریم دیگران نیز باشد، سبب پایان منازعات برخاسته از خودخواهی می‌شود و این از مهم‌ترین احکام حکمرانی جامعه است. اصلاً انبیای الهی و بندگان شایسته خدا یک چکشی دست‌شان گرفته‌اند و بر سر آن فیلی که نامش «من» است می‌کوبند؛ تمام تعلیمات دین اصلاً این است. هر کسی که اسیر «من» بود، راهش به سوی خدا بسته است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۷۸).

ابن عاشور ضمن اشاره به شأن نزول، به این نکته پرداخته است که می‌توان از آیه، طلب جادادن به دیگران در مطلق مجالس را نیز استفاده کرد و این موجب محبت میان مسلمانان خواهد شد (ابن عاشور، بی‌تا: ۳۵/۲۸). مراغی این را دستوری الهی دانسته که موجب محبت و هم‌گرایی میان مسلمانان خواهد شد (مراغی، بی‌تا: ۱۶/۲۸). سید قطب به این نکته توجه کرده که این امر، علاوه بر تشویق مسلمانان بر باز کردن جا برای تازه‌واردها، یاد می‌دهد که در برابر فرمان مسئول تنظیم اجتماع باید گردن نهاد و این اطاعت پیش از گشایش در مکان، موجب وسعت و گشایش در دل آدمی است. وی در گامی فراتر، معتقد است وقتی رهبر جامعه ضرورت دید جایی خالی گردد و آن مکان به شخص دیگری واگذار شود، باید بر این نظام گردن نهاد (قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۱۲/۶). آیت‌الله مدرسی صرفاً به غایت باز شدن جا برای مؤمنان و درک همگان از احترام متقابل اشاره کرده است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۹/۱۵). علامه فضل‌الله نیز آیه را معرفی‌کننده یکی از آداب اسلامی در اجتماعی دانسته و عبور کرده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۷۳/۲۲).

عمده مفسران، این دستور قرآن کریم را ادب اجتماعی مودت‌آفرین دانسته‌اند که در جای خود، از احکام حکمرانی قرآن است؛ منتهی عمق‌بخشی به مفاد آیات از راه تدبر می‌باشد که حکم سرکوب خودخواهی‌ها را به ذهن می‌آورد. از این رو، سید قطب این فقره را بر تربیت نفس و لزوم رعایت دستور مدیر جامعه اسلامی حمل کرده و استفاده تربیتی مؤثرتری نموده است. در نهایت، روشن می‌شود که ذهن فعال معظم‌له در مقوله حکمرانی، از این آیه که در ظاهر دستوری اخلاقی در نشست و برخاست است، قضیه‌ای استنباط می‌کنند که مکمل قانون خدامحوری و بندگی خدای سبحان در حکمرانی دینی می‌باشد. به این معنا، از مراقبت‌هایی که در حکمرانی قرآنی بر آن تأکید می‌شود، مراقبت بر آسیب‌تدریجی نشستن اراده‌های خود به جای اراده خداوند است. این قاعده را می‌توان رمز پایداری حکمرانی بر پایه توحید بندگی دانست.

۳-۶. جلوگیری دانش دین از انحراف جامعه

آیت‌الله خامنه‌ای ذیل فقره: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۵ از آیه یازدهم، به اهمیت علم و دانایی در جامعه توجه می‌دهند و در امتداد این فقره تشریح می‌کنند:

اهمیتی را که این فقره به دانش و مدارج دانشمندان داده‌اند، به معنی ارزش‌گذاری به دانش‌هایی چون علم فیزیک، جبر و مثلثات و مانند این‌ها نیست. بلکه علم دین و علم معرفت است؛ علم فقه الهی می‌باشد؛ فقه شرایع الهی است. ما باید خودمان را بکشانیم به طرف آگاه شدن از دانش دین که اگر این دانش دین در انسان بود، انسان گمراه نمی‌شود و اگر در یک جامعه، به‌طور وفور، این دانش دین بود، این جامعه همواره مسلمان می‌ماند؛ اشتباه نمی‌کند؛ بیش‌تر اشتباه‌ها بر اثر دوری از دانش دین است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۸۷).

در تفاسیر، علامه طباطبایی، ارتباطی میان این فقره و صدر آیه ایجاد نکرده است. برخلاف ایشان، آیت‌الله مکارم شیرازی، با مرتبط دانستن این عبارت با صدر آیه، اشاره دارند که اطاعت از آن دستورات، دلیل بر ایمان، علم و آگاهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۲/۲۳). ابن‌عاشور این فقره را پاداش امثال امر پیامبر (ص) دانسته است؛ اما فقره «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْهُمْ» را عطف خاص بر عام دانسته و معتقد است، جامعه اسلامی از استماع و استفاده اهل علم از مجلس نبی مکرم (ص) نفع بیش‌تری می‌برد (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۳۷/۲۸). مراغی، همچون آیت‌الله مکارم‌شیرازی، با مرتبط دانستن این فقره به صدر آیه، مطیعان امر پیامبر (ص) را مستحق دریافت این پاداش دانسته است (مراغی، بی‌تا: ۱۷/۲۸). سید قطب نیز با مرتبط دانستن این فقره به صدر کریمه، ترفیع درجات را پاداش تواضع کسانی دانسته که به احترام دستور نبی اکرم (ص) به تازه‌واردها جا دادند. وی ثمره آن را ایمانی می‌داند که سعه‌صدر و توفیق اطاعت امر مولا می‌آورد و علمی که موجب تهذیب قلب و اطاعت فکری می‌شود. روشن است که این ایمان و علم، انسان را به درجات رفیع نائل می‌کند (قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۱۲/۶). آیت‌الله مدرسی بحث را ناظر به مؤمنان عالم دانسته و معتقد است آیه با رد ملاک‌های مادی در برتری آدمیان، بیانگر فضیلت مؤمنان و عالمان است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۷۰/۱۵). علامه فضل‌الله نیز بیان می‌دارد که اگر در فردی ایمان و علم جمع شد، او از همه افضل است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۷۳/۲۲).

مفسران گران‌قدر به اشاره به ارزش علم و عالم بسنده کردند؛ اما اینکه این علم بتواند جامعه را از انحراف بازدارد و باید علم را در جامعه اسلامی سراسری کرد، مسأله‌ای است که از تدبیر آیت‌الله خامنه‌ای برآمده است. بر پایه این قضیه، حکمرانی دین در جامعه، امری ایستا و ثابت نیست. جامعه‌ای که براساس دین اداره می‌شود و ارزش‌های الهی، اساس حکمرانی آن را تشکیل می‌دهد، به‌شدت به بازبینی آموزه‌های دینی به اقتضای شرایط و تحولات نیاز دارد و متکفل این مهم، دانش دین می‌باشد؛ بنابراین شرط پایداری حکمرانی دین، مطالعات عمومی و تخصصی دین و شریعت به تناسب پیشرفت‌ها و اقتضائات جدید است.

۷-۳. جریان نفاق، جریان مذبذب اجتماعی و در تلاش برای اثبات خود از راه سوگند

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ... (۱۴)... اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶) لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا... (۱۷) يَوْمَ يَمْعُتُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ... (۱۸) اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹) إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰)»^۶.

معظم‌له معتقدند علاوه بر لزوم شناخت شاخصه‌های منافقان در جوامع دینی، باید ریشه پیدایش این روحیه در میان مؤمنان را نیز شناخت و خشکاند. در حقیقت، منافقان جزو مسلمانان نیستند و مجبورند خود را با جامعه اسلامی هماهنگ نشان دهند؛ از این رو در دنیا گرفتار زندگی سخت و عذاب شدید هستند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۱۷-۱۱۶). این جریان تلاش می‌کند تا از راه سوگند، رضایت مؤمنان را جلب کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۲۰). مفسر ارجمند معتقدند پیدایش روحیه نفاق در جوامع ایمانی که می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد، یکی از آسیب‌های در کمین جوامع ایمانی است. «ای بسا به جهت حوادث و عوارضی، کم‌کم انگیزه نفاق در آن‌ها به وجود می‌آید. از این رو مؤمن باید مراقب دل خود باشد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۳). کسانی که به سمت محافظه‌کاری و سازش با کفار سوق پیدا می‌کنند، به جهت آن است که در کفار چیزی مطلوب و خواستنی فرض و تصور می‌نمایند و آن، قدرت، عزت، شوکت، پول، علم، و نظایر آن است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۴-۱۳۵). ایشان روش خشکاندن این انگیزه را عبارت «إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ» (آیه ۲۰) می‌داند. «اگر کسی این را بفهمد که کافر و جماعت کفار، در زمره ذلیل‌ترین‌ها هستند، به طرف آن‌ها کشش پیدا نمی‌کند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۵).

بررسی مهم‌ترین تفاسیر اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که حکم مستنبط از آیات، از صریح آیات اتخاذ شده است و به همین جهت عمده مفسران، با تفاوت‌هایی اندک، به ابعادی از حکم توجه کرده‌اند. آیت‌الله مدرسی اظهار می‌دارند که منافقان با قسم‌های دروغین، دچار گناه «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» شدند. ایشان هر کار خیری را راه خدا دانسته؛ اما نزدیک‌ترین راه به خداوند را جهاد در راه او برشمرده است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۸۴/۱۵) و اشاره دارد که پیروان حزب شیطان هرگز روی عزت را نخواهند دید؛ نه در میان مردم و نه حتی در میان خود (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۰/۱۵). علامه طباطبایی بیان می‌کنند که آنان را باید در زمره کسانی محسوب کرد که دل در گرو محبت کفار دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۳/۱۹). «آنان در دنیا عادت کرده بودند که با قسم‌های دروغین، باطل را بر حق غلبه دهند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۳/۱۹). ریشه این کار آنان، دنیاطلبی و دوستی اموال و

اولاد است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۴/۱۹) آنان بیش از اموال و اولاد که هیچ سودی برای آنان ندارد، به خلاصی از عذاب جاودان نیاز دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۴/۱۹). آیت‌الله مکارم‌شیرازی معتقد است آنان در حقیقت، از نام مقدس خدا برای جلوگیری از راه خدا بهره می‌گیرند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۸/۲۳). اینان برای خدا سوگند دروغ یاد می‌کنند و از آنجاکه منافقان این روحیه را با خود به قبر و برزخ برده‌اند، این روحیه در صحنه قیامت نیز آشکار می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۰/۲۳). ابن عاشور بیان می‌کند که کسی که در رذائل غوطه‌ور شد، بر همان حالتی که دنیا را ترک کرده، با همان حالت در قیامت احضار می‌شود (ابن عاشور، بی‌تا: ۴۵/۲۸). مراغی اشاره دارد که آنان «ما هُمْ مِنْكُمْ وَ لَا مِنْهُمْ» نه از شما بودند و نه از کفار؛ «منافقان با قسم‌های دروغین، راه را برای خیلی از باورمندانی که دل در گروه حقیقت داشته و مایل به ورود به ساحل نجات اسلام داشتند، بستند. به همین دلیل، خداوند آنان را به غذایی خوارکننده عذاب خواهد کرد» (مراغی، بی‌تا: ۲۶-۲۲/۲۸). سید قطب آیات را بیانگر دشمنی پنهان آنان با مسلمانان و وحشت‌شان از عظمت و قدرت اسلام می‌داند؛ از این رو است که تلاش دارند با دسیسه‌گری و فریب‌کاری راه خود را ادامه دهند (قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۱۴/۶-۳۵۱۳). علامه فضل‌الله معتقد است مذذبین، شخصیت اصیل خود را از دست داده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۸۱/۲۲).

بر پایه قضیه مستنبط آیت‌الله خامنه‌ای از آیه مذکور، یکی از مطالعات آسیب‌شناسانه در حکمرانی قرآنی آن است که آحاد جامعه در قالب دولت یا بخش خصوصی یا گروه‌های عمومی، ممکن است ابتدا با انگیزه‌های درست در بخش‌های گوناگون جامعه حضور داشته باشند؛ ولی به تدریج، به جهت تمایل به آنچه نزد دشمن از ارزش‌های ایشان محسوب می‌شود، به دشمن تمایل پیدا کنند؛ تمایلی که نتواند ابراز نمایند و همین امر موجب شود به تدریج، شور الهی از دل‌هایشان بیفتد و حکمرانی عزتمندانه الهی، به حکمرانی براساس خواری و در یوزگی دولت‌های شیطانی و ابناء دنیا مبدل گردد؛ وضعیت ذلت‌باری که اکنون در بسیاری از کشورهای جهان اسلام مشاهده می‌شود.

۸-۳. غلبه، پیامد حضور خدا و رسول در جامعه

«كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۷ یکی از احکام مهمی که در حکمرانی قرآن، به‌عنوان سنت جاری در اجتماع تلقی شده، قضیه غلبه قطعی خدا و رسولان او در پهنه هستی است. این حکم، علاوه بر اینکه از واقعیتی در عالم خبر می‌دهد، در درگیری نهاد‌های صاحب قدرت در اجتماع نیز مسأله بسیار مهمی است و جهت‌گیری روند سنت‌های الهی در اجتماع را نمایان می‌سازد. به نظر آیت‌الله خامنه‌ای، غلبه و پیروزی جریان انبیا، با شهادت آن‌ها منافات ندارد؛ در واقع پیروزی‌شان به این خاطر است که آن‌ها برای حکومت اندیشه و تفکر توحیدی می‌جنگیدند.

حضرت زکریا ... یک اندیشه‌ای داشت؛ یک طرز تفکری داشت که می‌خواست این طرز تفکر، مورد قبول دیگران و حاکم بر زندگی دیگران شود؛ و (همین‌طور) شد. وقتی پیغمبر اسلام می‌آید و حکومتی تشکیل می‌دهد که شرق و غرب را به زیر آن حکومت می‌برد و آن حکومت بر مبنای اندیشه الهی است، این یعنی زکریا پیروز شد؛ یعنی یحیی غالب گردید و همه پیغمبران پیروز شدند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۲).

ایشان حتی افرادی را که تابع پیغمبران نیستند، تحت تأثیر حرکت و تربیت پیغمبران می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۴). اخوت و برادری، علم و دانش و تحقیق در عالم، خروج از توحش اولیه، برافراشته بودن پرچم عدالت، آزادی‌خواهی و دم زدن از پیشرفت و تمدن، مقاصد انبیا است و اشخاص مذکور بدون آنکه بدانند یا بخواهند، مقاصد انبیا را انجام می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۴-۱۴۵). پیروزی و غلبه ملت‌ها وقتی است که متمسک به خدا و پیغمبر گردند و حاضر شوند که در راه خدا حرکت کنند و جان‌فشانی نمایند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۶)؛ اما وقتی که هر یک به منافع مادی و دنیوی خود فکر کرد و تفکر خودخواهی بر مردم حاکم شد، قطعاً و یقیناً بدبخت و ذلیل خواهند شد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴۷).

در تفاسیر علامه طباطبایی غلبه را غلبه حجت و برهان انبیا، تأییدات الهی و ایمان مردم دانسته و در ادامه، وجوه سه‌گانه غلبه را توضیح داده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹/۱۹۶-۱۹۵). تفاوت دیدگاه علامه با معظم‌له در این است که ایشان، پیامبران را از همان ابتدای حرکت اجتماعی پیروز قلمداد می‌کنند. آیت‌الله مکارم‌شیرازی در خصوص اینکه چگونه شهادت برخی انبیا را می‌توان مصداق پیروزی دانست، معتقدند رسیدن حجج الهی به اهداف والایی که برای آن به‌سوی مردمان گسیل شده‌اند، به معنای پیروزی آنان است. وی برای رسیدن به این پیروزی، شروطی را معین کرده‌اند. وی شرط نخست را، داشتن ایمان و راه ندادن سستی به خود و نهراسیدن از مشکلات دانسته‌اند. شرط دوم، این است که دگرگونی‌ها را از خود شروع کنند. ایشان بر مسأله وحدت امت اسلامی نیز تأکید می‌کنند (با تلخیص و تصرف غیرمخل: مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳/۴۶۸-۴۶۵). ابن‌عاشور مراد از غلبه در آیه را بالقوه نه غلبه حجت و برهان انبیا دانسته است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۵۱/۲۸). مراغی می‌آورد که آنان یا با برهان و یا با شمشیر [...] پیروز خواهند شد (مراغی، بی‌تا: ۲۶/۲۸). سیدقطب با تطبیق این مسأله بر مؤمنان معتقد است، هر چند مؤمنان در عالم مورد انواع آزارها و شکنجه‌ها و... قرار می‌گیرند؛ اما مصداق این وعده الهی را در عالم می‌توان مشاهده کرد (قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۱۴/۶). آیت‌الله مدرسی در توضیح فقره «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»، به قوت سلاح‌های نظامی قدرت‌های جهانی شرق و غرب در عرصه‌های نظامی، سیاسی، رسانه‌ای، اطلاعاتی و اقتصادی اشاره

کرده، بیان می‌دارد امت اسلامی با وجود تمام این دشمنی‌ها، با قوت شکست‌ناپذیر الهی، به پیروزی خواهند رسید (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۱/۱۵). او نیز همچون آیت‌الله مکارم‌شیرازی، بهره‌مندی مؤمنان از نصرت الهی را به پذیرش و ایمان به غیب و سیادت دین مشروط دانسته و غلبه مرسلون را به سه شکل تصویر کرده است: الف) غلبه با قدرت جنود غیبی الهی مانند فرشتگان یا باد و...؛ ب) غلبه با قدرت برهان و قوت اندیشه و ج) غلبه با نیروی ایمان مؤمنانی که در راه اعتلای کلمه دین، حاضرند دست از جان بشویند و با توکل بر خدا، پرچم دین را برافراشته نگه دارند (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۰/۱۵-۱۹۳). علامه فضل‌الله غلبه را با حجت و برهان، با امداد غیبی و با ایمان مؤمنان دانسته و آیه را شامل هر سه نوع دانسته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۸۵/۲۲-۸۴).

در تبیین این دست از اظهارات، مفسران به‌خوبی هویدا شد که آنان به‌طور عمده، سعی بر آن داشته‌اند تا ابعاد غلبه آن‌ها را مشروط کنند؛ درحالی‌که در نگاه تدبری آیت‌الله خامنه‌ای، این غلبه معطوف به آینده نیست؛ بلکه از همان آغاز پیروز است. همچنین موافق این قضیه، در حکمرانی قرآن، وظیفه اشخاص حق‌مدار به پایان رساندن کار نیست. فرد از همان آغاز که قدم در راه یاری حق و زندگی بر پایه ارزش‌های الهی می‌گذارد، در حکمرانی دینی قرار دارد و عضوی از پیکره حکمرانی دینی می‌باشد؛ مهم آن است که وظیفه خود را در زمان خود به شایستگی انجام داده باشد و اگر که همه عناصر مؤثر در حکمرانی دینی، وظیفه خود را به‌درستی انجام دهند، بی‌تردید در میدان نیز پیروز خواهند شد؛ زیرا درگیری حق و باطل قطعاً با پیروزی حق به پایان خواهد رسید.

۹-۳. لزوم ترجیح پیوندهای ایمانی بر علقه‌های خانوادگی

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ... (۲۲)»^۱ یکی از احکام مهم حکمرانی که معظم‌له استنباط می‌کنند، لزوم ترجیح پیوندهای ایمانی بر علاقه‌مندی‌های خانوادگی است. کسانی که با کفار، گرم و صمیمی بودند و هستند، نمی‌توانند ادعا کنند که مؤمنیم (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۵۳). در حکمرانی قرآن، مؤمنان در روابط اجتماعی، به‌رغم وجود پیوندهای نسبی، باید مرز خود را از کفار جدا کرده و پیوند دوستی با ایشان را قطع نمایند.

علامه معتقد است عبارت «لَا تَجِدُ» بدین معناست که اساساً میان اهل ایمان و دشمنان خدا حتی با وجود پیوند نسبی، هیچ ارتباطی نباید برقرار بماند و جبهه حق باید راهش را از جبهه کفر جدا کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۶/۱۹). آیت‌الله مکارم‌شیرازی و سید قطب بیان می‌کنند که یک دل نمی‌تواند محل هم‌نشینی دو محبت متضاد، محبت دین خدا و دشمنان او باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۸/۲۳، قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۱۴-۳۵۱۵/۶). آیت‌الله مدرسی نیز استفاده کرده است که

از علامت‌های عدم ایمان به خدا، ایجاد روابط دوستانه با دشمنان خدا و دین است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۹۳/۱۵-۱۹۴). علامه فضل‌الله معتقد است در برابر عقیده و باور، قرابت و خویشاوندی هیچ ارزشی ندارد و این همان مسیری می‌باشد که اسلام گام نهادن در آن را از هر مسلمان طلب کرده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۸۸/۲۲-۸۷).

همه مفسران منطبق بر نص آیه، مشترک با آیت‌الله خامنه‌ای، به این حکم تصریح کردند و بر پایه آن، یکی از عوامل استواری حکمرانی قرآنی، کنترل و ضبط عواطف است؛ به گونه‌ای که داشتن پیوند و عواطف نسبت به وابستگان، موجب تقدم بر اراده‌های الهی نشود و انسان را از حزب الهی خارج نکند. همین امر روشن می‌کند که حکمرانی بر پایه قرآن، حقیقتی مشروط است و به مراقبت دائم نیاز دارد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در بررسی روش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روشن شد که ایشان در منهج تفسیری‌شان، بعد از گزارش مختصر مفاد سوره، به ترجمه و تفسیر آیات پرداخته و در این عرصه، تمرکز خاصی بر توضیح پیوندها و ارتباط آیات، تحلیل لغوی و تعمیق واژه‌شناسی، بررسی اسباب نزول، تحلیل شرایط محیطی فضای دعوت اسلامی دارند. توجه به این شرایط به جهت اهمیت فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون نزول آیات، نزد مفسر گرامی است. همان‌گونه که در بررسی آمد، ایشان فهم تفسیری را امتداد داده و با تدبیر و عاقبت‌اندیشی در آیات، زمینه را برای فهم هرچه بهتر تطبیقات آیات بر شرایط ایران و جهان امروز و حل مسائل نظام اسلامی فراهم می‌کنند.

در بررسی تطبیقی روش تفسیری معظم‌له با دیگر مفسران اجتماعی معاصر از فریقین، روشن شد که در روش تفسیر ایشان، با انواعی از قضایا، احکام اجتماعی و سیاسی قرآن مواجه هستیم. این احکام تا آنجا که از ظاهر آیات برداشت می‌شد، کم‌وبیش مورد توافق مفسران بود؛ اما آنجا که آیت‌الله خامنه‌ای به تدبیر در آیات ورود کرده و قضایا و احکامی را از راه تدبیر به‌دست آورده‌اند، یا آنجا که تطبیق بر شرایط حال جوامع دینی، غیردینی و انقلاب و غیرانقلابی کرده و قضایایی کلی را اصطیاد نموده‌اند، در استنباط این دسته از قضایا، به‌نحوی منحصر به فرد بوده‌اند. در واقع مفسرانی که رویکرد سیاسی و اجتماعی را در تفسیر داشته‌اند، در غالب قضایایی که از جنس ظهور الفاظ بوده است، کم‌وبیش با ایشان همراهی کرده‌اند؛ اما در قضایا و احکامی که ثمره تطبیقات آیات بوده است، تعداد بسیار اندکی مشارکت داشته‌اند و در قضایا و احکام مستنبط از تدبرهای ایشان، تقریباً هیچ التفاتی به آن‌ها مشاهده نشد.

با بررسی تطبیقی صورت گرفته، نوآوری‌های ایشان در روش و محتوا را می‌توان در بندهای ذیل خلاصه کرد:

۱. اهتمام ویژه به امتداد تفسیر از سطح کشف مراد خدا در سطح ظاهر و صریح الفاظ، عبارات و رفع ابهام، به سمت دو مکمل و متمم بسیار کلیدی و کاربردی تدبیر و تطبیق.
۲. اهتمام به تفسیر اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه مسائل حکمرانی، بیش‌تر از غور سایر مفسران برجسته اجتماعی معاصر فریقین.
۳. درنهایت، استنباط قواعد و احکام حکمرانی متعددی که از سوره به‌دست آمده است. جدول زیر به‌طور خلاصه میزان ورود و تقطن سایر مفسران را نیز ارائه کرده است:

ردیف	قواعد و احکام حکمرانی سوره مجادله مبتنی بر روش تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای	سطح دریافت؛ ترجمه و تفسیر، تدبیر، تطبیق	تمایزات و مشترکات مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی
۱	ممنوعیت درهم آمیختن سنت جاهلی با سنت اسلامی	تدبیر	• منحصر به فردی برداشت معظم‌له.
۲	حضور خدا و رهبری اسلامی در همه مسائل سرنوشت‌ساز جامعه	تدبیر	• منحصر به فردی برداشت معظم‌له.
۳	مواجهه هوشمندانه با سنت‌های سابق بر تشکیل جامعه اسلامی	تدبیر	• منحصر به فردی برداشت معظم‌له.
۴	سرکوب‌شدن، سرنوشت دشمنان پیامبران	ترجمه و تفسیر	• همه، در سطح تبیین منطوق، به این نکته اشاره داشته‌اند؛ با اندکی تفاوت در تحلیل. • ارائه معیارهای اجتماعی مناسب حکمرانی، توسط معظم‌له. • تدبیر ستودنی مراعی: هشدار به رهبران برای قانون‌گذاری و تحمیل برخلاف دین.
۵	سرکوب خودخواهی به‌منظور ایجاد نظم اجتماعی	تدبیر	• عمق بخشی تدبیری معظم‌له ممتاز می‌نماید؛ منحصر به فردی برداشت معظم‌له. • سید قطب برداشت نزدیک تربیتی - اجتماعی داشته است.

۶	جلوگیری دانش دین از انحراف جامعه	تدبر	• منحصر به فردی برداشت معظم له.
۷	جریان نفاق، جریان مذبذب اجتماعی و در تلاش برای اثبات خود از راه سوگند	ترجمه و تفسیر	• همه پرداخته‌اند. • نکات تدبیری آیت الله خامنه‌ای.
۸	غلبه، پیامد حضور خدا و رسول در جامعه	ترجمه و تفسیر، تدبر	• همه پرداخته‌اند؛ با تفاوت در تحلیل و معیار. • برجستگی معیار و نکات آیت الله خامنه‌ای.
۹	لزوم ترجیح پیوندهای ایمانی بر علقه‌های خانوادگی	ترجمه و تفسیر	• همه پرداخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. خدا گفتار [زنی] را که درباره شوهرش با تو گفت‌وگو و به خدا شکایت می‌کرد، شنید و خدا گفت‌وگوی شما را می‌شنود؛ زیرا خدا شنوای بینا است. (۱) از میان شما کسانی که زنان‌شان راظهار می‌کنند [و می‌گویند: «پشت تو چون پشت مادر من است.»]، آنان مادران‌شان نیستند. مادران آن‌ها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند و قطعاً آن‌ها سخنی زشت و باطل می‌گویند و [لی] خدا مسلماً درگذرنده آمرزنده است. (۲) و کسانی که زنان‌شان راظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان می‌شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر هم‌خوابگی کنند، بنده‌ای را آزاد گردانند؛ این [حکمی] است که بدان پند داده می‌شود و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۳) و آن‌کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود]، دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک بدهد؛ این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید و این است حدود خدا و کافران را عذابی پُردرد خواهد بود. (۴) (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۴)
۲. واقعه آتش‌زدن سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ به دست عمال پهلوی و تلاش برای انتساب آن به انقلابیون.
۳. بی‌گمان کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می‌کنند، ذلیل خواهند شد؛ همان‌گونه که آنان که پیش از ایشان بودند، ذیل شدند. به راستی آیات روشن خود را فرستاده‌ایم و کافران را عذابی خفت‌آور خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۴۲-۴۱).
۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید؛ تا خدا برای شما گشایش حاصل کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۷۵).
۵. خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند، [برحسب] درجات، بلند گرداند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۷۵).
۶. آیا ندیده‌ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خدایند، به دوستی گرفته‌اند؟ آن‌ها نه از شمایند و نه از ایشان و به دروغ سوگند یاد می‌کنند و خودشان [هم] می‌دانند. (۱۴) خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است؛ راستی که چه بد می‌کردند. (۱۵) سوگندهای خود را [چون] سپری قرار داده بودند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند و [در نتیجه] برای آنان عذابی خفت‌آور است. (۱۶) در برابر خداوند نه از اموال‌شان و نه از اولادشان هرگز کاری ساخته نیست، آن‌ها دوزخی‌اند [و] در آن جاودانه [می‌مانند]. (۱۷) روزی که خدا همه آنان را برمی‌انگیزد، همان‌گونه که برای شما سوگند یاد می‌کردند، برای او [نیز]، سوگند یاد می‌کنند و چنان پندارند که حق به جانب آن‌ها است؛ آگاه باش که آنان همان دروغگویانند. (۱۸) شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده

است. آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند. (۱۹) در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی‌خیزند، آنان در [زمره] زیونان خواهند بود. (۲۰) (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۲-۱۳۱).

۷. خدا مقرر کرده است که حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم شد. آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۲۱) (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۲).

۸. قومی را نیایی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند، هرچند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند، دوست بدارند. در دل این‌ها است که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است درمی‌آورد. همیشه در آنجا ماندگارند؛ خدا از ایشان خشنود و آن‌ها از او خشنودند؛ اینانند حزب خدا. آری حزب خداست که رستگاراند. (۲۲) (خامنه‌ای، ۱۴۰۱: ۱۳۲).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر. التحرير و التتوير، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم: تمهید.
۴. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۸۹). همگام با وحی تفسیر تنزیلی (ویراست دوم). قم: تمهید.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). تفسیر سوره مجادله. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۶. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دارالمعرفة.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.
۹. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۱۰. مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین.
۱۱. مراغی، احمد بن مصطفی. تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیرنمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.